

مطالعات جغرافیایی مناطق خشک

دوره نهم، شماره سی و چهارم، زمستان ۱۳۹۷

دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۱۱/۲۷ تأیید نهایی: ۱۳۹۷/۰۵/۱۳

صص ۲۵-۴۱

واکاوی عوامل بازدارنده و پیش‌برنده‌ی مشارکت کشاورزان در اجرای طرح یکپارچه‌سازی اراضی زراعی (مورد مطالعه: روستاهای شهرستان نهبندان)

محمد رضا بخشی*، استادیار اقتصاد کشاورزی-دانشگاه بیرجند

محمد رزقی، کارشناس ارشد توسعه‌ی روستایی-دانشگاه آزاد اسلامی بیرجند

چکیده

پراکندگی و تقطیع اراضی کشاورزی یکی از چالش‌های پیش‌روی برنامه‌های توسعه‌ی روستایی است و اجرای سیاست یکپارچه‌سازی اراضی در سال‌های گذشته در اغلب مناطق کشور جهت حل این مسئله همواره با مشکلاتی در زمینه‌ی مشارکت کشاورزان و اجرای موفق طرح مواجه بوده است. هدف این مطالعه، تبیین پیشران‌ها و پسران‌های مشارکت کشاورزان در اجرای طرح یکپارچه‌سازی اراضی زراعی در مناطق روستایی شهرستان نهبندان است. جامعه‌ی آماری پژوهش، بهره‌برداران فعال در بخش کشاورزی می‌باشند که ۲۶۴ نفر به‌عنوان نمونه‌ی آماری با استفاده از فرمول کوکران تعیین و با روش نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای انتخاب و مورد مطالعه واقع شدند. جهت جمع‌آوری اطلاعات از ابزارهای پرسش‌نامه، مصاحبه و مشاهده استفاده شد. روایی پرسش‌نامه‌ی تنظیم‌شده توسط اساتید دانشگاه و کارشناسان بخش کشاورزی و پایایی آن از طریق پیش‌آزمون و محاسبه‌ی آلفای کرونباخ برای بخش‌های مختلف پرسش‌نامه در بازه‌ی ۰/۷۲ تا ۰/۸۲ مورد تأیید قرار گرفت. نتایج نشان داد که ۳۹/۸ درصد از پاسخ‌گویان، تمایل کم، ۱۱/۷ درصد تمایل متوسط و ۴۸/۶ درصد تمایل زیادی نسبت به یکپارچه‌سازی اراضی دارند. نتایج آزمون همبستگی نشان داد بین متغیر تمایل به مشارکت در یکپارچه‌سازی اراضی و متغیرهای سابقه‌ی فعالیت کشاورزی، میزان مالکیت اراضی، تعداد قطعات زراعی، متوسط اندازه‌ی قطعات، سطح زیر کشت، فاصله‌ی اراضی تا منبع آب، فاصله‌ی اراضی تا روستا، میزان اعتماد مقابل کشاورزان به یکدیگر، میزان آگاهی پیرامون یکپارچه‌سازی اراضی و میزان حمایت‌های اعتباری دولت از اجرای طرح همبستگی مثبت و معنی‌داری وجود دارد. بر اساس یافته‌های تحلیل عاملی، ۷۱/۷۵ درصد از واریانس کل عوامل بازدارنده و پیشران یکپارچه‌سازی اراضی را هشت عامل زراعی، اعتباری-حمایتی، سازمانی، اقتصادی، روان‌شناختی، انگیزشی، آموزشی-ترویجی و قانونی تبیین می‌نمایند.

کلید واژگان: توسعه‌ی کشاورزی، یکپارچه‌سازی اراضی، مشارکت، شهرستان نهبندان.

* Email: mbakhshi@birjand.ac.ir

نویسنده‌ی مسئول:

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه نویسنده‌ی دوم با عنوان «بررسی موانع موجود در اجرای طرح یکپارچه‌سازی اراضی زراعی شهرستان نهبندان» است.

۱- مقدمه

پراکندگی اراضی یکی از معضلات بخش کشاورزی محسوب می‌شود؛ به طوری که اغلب صاحب‌نظران از آن به‌عنوان یکی از موانع اصلی توسعه‌ی نواحی روستایی؛ و در مقابل، از یکپارچگی اراضی به‌عنوان یکی از عوامل عمده‌ی گرگونی در بخش کشاورزی یاد می‌کنند (جمشیدی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۱۰). پراکندگی زمین‌های زراعی در جهان به دو شکل وجود دارد. در وضعیت نخست، پراکندگی بین اراضی افراد و بهره‌برداران مختلف مشاهده می‌شود که با مرزهای مصنوعی یا طبیعی، مانع استفاده‌ی عقلایی و بهینه از زمین می‌شود. این امر در مالکیت‌های کوچک، موج پیدایش مشکلات فراوان شده و می‌شود. در حالت دوم، پراکندگی اراضی در مورد زمین‌های یک بهره‌بردار خاص مشاهده می‌شود؛ بدین صورت که کل زمین زراعی هر بهره‌بردار شامل قطعات کوچکی بوده و اغلب این قطعات در فواصل دور از هم قرار می‌گیرد. این شکل از پراکندگی، تشدیدکننده‌ی حالت اول است (رکن‌الدین افتخاری، ۱۳۷۴: ۲۶).

پراکنش اراضی علاوه بر ایجاد اشکال فنی در بهره‌برداری بهینه از منابع تولید، به پایین بودن میزان بهره‌وری، بالا بودن هزینه‌های تولید، اتلاف منابع، تثبیت و گسترش الگوی نامناسب زراعی، غیرکارا کردن مدیریت مزرعه، عدم استفاده‌ی مؤثر از ماشین‌آلات، اختلاف میان کشاورزان و تضعیف همبستگی‌های اجتماعی در جامعه‌ی روستایی و سرانجام فقر و مهاجرت روستاییان می‌انجامد (امیرنژاد و رفیعی، ۱۳۸۸: ۳۲۹؛ شیرزاد، ۱۳۷۶: ۷-۴).

اغلب برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران بخش کشاورزی راه‌حل مسائل و مشکلات ناشی از پراکندگی اراضی زراعی را یکپارچه‌سازی اراضی می‌دانند که سیاستی در ارتباط با تغییر اندازه‌ی زمین جهت بهبود و افزایش تولید محصولات کشاورزی، عقلانی کردن بهره‌برداری‌ها، استفاده از ماشین‌آلات و فناوری جدید زراعی و درنهایت، دستیابی به توسعه‌ی کشاورزی و بهبود روند توسعه‌ی مناطق روستایی است. در نگاهی وسیع‌تر، یکپارچه‌سازی اراضی ابزاری مفید برای رسیدن به توسعه‌ی روستایی و بهبود بهره‌وری نهاده‌ی زمین (Sklenicka, 2006: 502)، روشی مؤثر جهت کنترل فرسایش (Mihara, 1996: 238)، ابزاری کارآمد جهت حفظ طبیعت و محیط زیست (Uhling, 1989: 426) است که می‌تواند موجبات بهبود فناوری مدیریت بهتر مزرعه، افزایش وسعت بهره‌برداری‌ها، بهبود شیوه‌های انتقال آب، بالا رفتن راندمان تولید، کاهش هزینه، صرفه‌جویی در مصرف آب، صرفه‌جویی در وقت و ایجاد رضایتمندی بهره‌برداران (یاسوری و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۲۵-۲۲۴) را به همراه داشته باشد.

در طی چند دهه‌ی گذشته در اغلب کشورهای جهان، سیاست یکپارچه‌سازی اراضی زراعی به‌عنوان ابزاری اثربخش جهت افزایش راندمان و کارایی تولید محصولات کشاورزی و بهبود وضعیت اقتصادی ساکنان سکونتگاه‌های روستایی به‌کار گرفته شده است (Sklenicka, 2006: 503). پروژه‌های متعدد یکپارچه‌سازی اراضی در کشورهای اروپایی همانند آلمان، هلند، فرانسه، بلژیک، لوکزامبورگ، اتریش و سوئیس و نیز فنلاند، نروژ و سوئد به‌منظور بهبود تقسیم‌بندی نامطلوب موجود زمین‌های زراعی و ترویج استفاده‌ی مناسب از دارایی‌های واقعی بدون تغییر وضعیت مالکیت اجرا شده است (Vitikainen, 2004: 25). در غرب اروپا، یکپارچه‌سازی اغلب بخشی از یک برنامه‌ی گسترده‌تر توسعه‌ی منطقه‌ای برای مناطق روستایی است که بهبود وضعیت تولید محصولات کشاورزی، اشتغال، دریافت‌های مالیاتی، زیرساخت‌ها، امکانات عمومی، مسکن و حفاظت از منابع طبیعی را شامل می‌شود (Pasakarnis and Maliene 2010: 546). بر اساس گزارش بکمن^۱ (۲۰۰۲)، یکپارچه‌سازی اراضی در کشور سوئد، توسعه‌ی مناطق روستایی را به همراه داشته است. بررسی پیامدهای یکپارچه‌سازی اراضی در سه ناحیه‌ی کشور چک نشان‌داد اجرای این طرح، بهبود وضعیت اکوسیستم‌های طبیعی و محیطی و نیز ارتقاء وضعیت اقتصادی-اجتماعی ذینفعان را به همراه داشته است. تجربه‌ی کلی یکپارچه‌سازی اراضی در کشورهای غربی نشان می‌دهد که سیاست مذکور می‌تواند به‌عنوان یک ابزار ضروری برای ایجاد مناطق روستایی پایدار مورداستفاده قرار گیرد (Dijk, 2002: 914). اجرای سیاست یکپارچه‌سازی

اراضی در کشورهای در حال توسعه همانند چین و هند نیز پیامدهای مثبتی به همراه داشته است. بررسی سیاست یکپارچه‌سازی زمین‌های زراعی در کشور چین نشان داد از طریق یکپارچه‌سازی اراضی، کیفیت خاک زراعی و سیستم‌های آبیاری بهبود یافته و به دنبال خود افزایش بهره‌وری کشاورزی را به همراه داشته است (Huang et al, 2010: 94). مطالعه‌ی یکپارچه‌سازی اراضی در کشور هند نشان داد که یکپارچه‌سازی از یک‌سو با پذیرش فناوری‌های نوین موجب کاهش قابل توجه تعداد قطعات زارعین شده و از سوی دیگر تأثیر مثبت و معناداری بر توسعه‌ی کشاورزی داشته است (Saini, 1995: 242).

اولین اقدامات مربوط به یکپارچه‌سازی اراضی در ایران به معنای برداشتن مرزهای بین قطعات زراعی، گروه‌بندی قطعات پراکنده و تقسیم مجدد زمین با افزایش اندازه‌ی واحد زراعی و با رعایت حقوق مالکان به دهه‌ی ۴۰ و بعد از اصلاحات ارضی برمی‌گردد. لیکن در اوایل دهه‌ی هفتاد رویکردها و سیاست‌های وزارت کشاورزی بر روی توسعه و راه‌اندازی شرکت‌های تعاونی تولید روستایی در مناطق مختلف کشور با هدف حل معضل خرده‌مالکی از طریق یکپارچه‌سازی اراضی و بالا بردن میزان تولیدات کشاورزی با استفاده از کمک‌های مالی بلاعوض دولتی متمرکز گردید. در همین راستا و در همان دوران مذکور، اولین گام جهت یکپارچه‌سازی اراضی زراعی شهرستان نهبندان واقع در استان خراسان جنوبی با راه‌اندازی اولین شرکت تعاونی تولید روستایی در روستای چاهدashi برداشته شد. در ادامه این روند و بر اساس برنامه‌ی تهیه‌شده می‌بایست در دشت چاهدashi ۳۰۰۰ هکتار، در روستاهای منطقه‌ی طَبَسین ۲۵۰۰ هکتار، در روستاهای بخش مرکزی نهبندان ۴۰۰۰ هکتار و در دشت سهل‌آباد ۱۵۰۰ هکتار تحت پوشش این طرح قرار گیرد که اولین قدم از روستای چاهدashi شروع شد و نقشه‌برداری کاداستر در سطح ۵۰۰ هکتار صورت گرفت، اما زارعین اندکی از طرح مذکور استقبال نموده و تنها در ۱۰۰ هکتار از اراضی مالکان با کمک‌های صد درصد بلاعوض دولتی اجرا شد و ادامه طرح با مخالفت زارعین در سال ۱۳۷۱ با شکست مواجه شد و کاملاً متوقف گردید. در سایر مناطق ذکرشده نیز پس از انجام عملیات نقشه‌برداری، طرح تسطیح و یکپارچه‌سازی اراضی فقط در زمین‌های چند نفر از مالکان اجرا و سپس به دلیل عدم اقبال سایر بهره‌برداران متوقف گردید. در گام دوم و پس از گذشت چندین سال در سال ۱۳۸۴ اولین طرح یکپارچه‌سازی اراضی شهرستان نهبندان در منطقه‌ی سهل‌آباد در سطح ۵۰۰ هکتار اجرا شد که تحت عنوان شرکت سهامی زراعی سهل‌آباد در حال فعالیت است لیکن تا به امروز در سایر مناطق مذکور توفیق چندانی به دست نیامده است (مدیریت جهاد کشاورزی شهرستان نهبندان، ۱۳۹۲).

اکنون که سیاست مذکور به‌عنوان یکی از سیاست‌های بخش کشاورزی در قالب پیاده‌سازی یک نظام بهره‌برداری صحیح در جهت تداوم و توسعه‌ی پایدار کشاورزی و نواحی روستایی در کانون توجه برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران این بخش قرار دارد (فال سلیمان و همکاران، ۱۳۹۰: ۶۸)، این سؤال مطرح است که چه موانعی بر سر راه اجرای طرح مذکور قرار دارد که از سال ۱۳۷۰ تاکنون؛ یعنی قریب ۲۷ سال هنوز آن‌چنان که باید مورد اقبال اغلب زارعین منطقه قرار نگرفته است؟ میزان آگاهی زارعین در مورد طرح یکپارچه‌سازی اراضی در چه سطحی است؟ میزان تمایل به مشارکت زارعین جهت اجرای یکپارچه‌سازی اراضی چقدر است؟ موانع اجرای طرح یکپارچه‌سازی چیست؟ پاسخ‌گویی به سؤالات مذکور با توجه به اینکه از یک‌سو بخش کشاورزی در منطقه‌ی تحقیق، نظام اقتصادی تولید غالب بوده و اشتغال و معیشت بخش عمده‌ای از ساکنان نواحی روستایی در این شهرستان به اقتصاد کشاورزی گره خورده است و از سوی دیگر پراکندگی و خرد بودن اراضی کشاورزی در این شهرستان هم چون سایر نقاط ایران وضعیتی فراگیر داشته، حائز اهمیت است. نظر به فقدان ارزیابی و تحلیل مناسب علمی در راستای پاسخ‌گویی به سؤالات مذکور در منطقه‌ی تحقیق، پژوهش جاری قوام یافته است تا از این رهگذر مسیر تصمیم‌گیری را هموارتر نموده و راهکارهای برون‌رفت از وضعیت فعلی را جهت تسهیل و تسریع اجرای طرح تسطیح و یکپارچه‌سازی اراضی شهرستان در اختیار مسئولین مربوطه قرار دهد.

۲- پیشینه‌ی پژوهش

بررسی نگرش گندم‌کاران شهرستان هشتروند در خصوص یکپارچه‌سازی اراضی نشان داد که در حدود ۶۸ درصد کشاورزان نگرش نامساعدی نسبت به یکپارچه‌سازی اراضی داشته‌اند و ترس از دست دادن زمین‌های مرغوب و وابستگی روحی و روانی به زمین‌های آبا و اجدادی، مانع از مشارکت آن‌ها در طرح یکپارچه‌سازی اراضی می‌شود (شمس و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۵۷). عینالی (۱۳۹۳) اعتماد متقابل بین بهره‌برداران، مشارکت و همکاری اعضا و انسجام اجتماعی و مدیریت اشتراکی (که عمدتاً با ساختار اجتماعی مناطق روستایی ارتباط نزدیکی دارند) را از عوامل مؤثر بر یکپارچه‌سازی اراضی می‌داند. وثوقی و فرجی (۱۳۸۵) در بررسی میزان تمایل کشاورزان روستاهای شهرستان زرین‌دشت به مشارکت در یکپارچه‌سازی اراضی مزروعی گزارش نمودند که بین متغیرهای سواد، فراهم بودن فرصت‌های شغلی، میزان مالکیت زمین، اعتماد مردم به یکدیگر، اعتماد مردم به دولت و عوامل انگیزشی و میزان تمایل مالکان به مشارکت در یکپارچه‌سازی، رابطه معناداری وجود دارد. در پژوهشی مشابه، جمشیدی و همکاران (۱۳۸۸) سطح تحصیلات و آگاهی بهره‌برداران از مفهوم یکپارچه‌سازی را مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تمایل مالکان به مشارکت در طرح یکپارچه‌سازی اراضی بیان نموده و بالا بودن هزینه‌های اجرای طرح یکپارچه‌سازی اراضی را اصلی‌ترین عامل بازدارنده‌ی اجرای طرح قلمداد نموده‌اند.

جوان و صابونچی (۱۳۹۱) در تحلیل عوامل مؤثر بر تقطیع و چالش‌های فراروی یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی در دشت نیشابور، عدم آگاهی روستاییان از محاسن و مزایای یکپارچه‌سازی، ترس از دست دادن مالکیت و وابستگی بیش‌ازحد زارعین به زمین و سابقه‌ی ذهنی نامطلوب از تجربه‌ی اراضی یکپارچه‌شده در نواحی مختلف کشور را مهم‌ترین عوامل و موانع بازدارنده‌ی یکپارچه‌سازی گزارش نمودند. جمشیدی و امینی (۱۳۹۱) در بررسی عوامل مؤثر بر پذیرش و اجرای طرح یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی در استان ایلام نشان دادند که بین متغیرهای تعداد قطعات دیم، ویژگی‌های فرهنگی و اقتصادی و دانش بهره‌برداران از طرح‌های یکپارچه‌سازی و متغیر وابسته پذیرش یکپارچه‌سازی همبستگی مثبت و معنی‌دار وجود دارد، لیکن پذیرش یکپارچه‌سازی با متغیرهای سن، ارزش‌گذاری سنتی اراضی و مطلوبیت مکانی زمین‌های کشاورزی همبستگی منفی و معنی‌دار دارد.

ویتا کاینن^۲ (۲۰۰۴) در مطالعات یکپارچه‌سازی اراضی در اروپا گزارش نمود که موجه‌ترین دلیل برای سودمند بودن برنامه‌های یکپارچه‌سازی اراضی، افزایش اندازه‌ی قطعات و کاهش تعداد قطعات است، لیکن وجود تفاوت در دسترسی برخی از اراضی به جاده‌ها و منابع آبی باعث می‌شود که یکپارچه‌سازی آن‌ها با مشکل زیادی همراه باشد. گارسیا^۳ (۲۰۰۷) برنامه‌های یکپارچه‌سازی اراضی در کشور اسپانیا را گامی مهم در جهت بهبود کارایی نیروی کار و بهره‌وری بهینه از اراضی گزارش نمود. یافته‌های وی نشان داد افزایش آگاهی کشاورزان در مورد نتایج اقتصادی و اجتماعی یکپارچه‌سازی اراضی، انتقال اطلاعات مفید به کشاورزان توسط مروجین و برنامه‌های حمایتی دولت از جمله عوامل مؤثر در پذیرش یکپارچه‌سازی اراضی می‌باشند. جرجیوسکی^۴ (۲۰۰۵) در بررسی یکپارچه‌سازی اراضی در کشور مقدونیه اذعان می‌دارد که پراکندگی زیاد قطعات اراضی زراعی هر بهره‌بردار و دور بودن این قطعات از هم به همراه تأسیس تعاونی‌های تولید روستایی و حمایت‌های فنی دولت، نقش مؤثری در پذیرش طرح‌های یکپارچه‌سازی اراضی داشته است.

تحلیل جامعه‌شناختی عوامل تأثیرگذار بر تمایل کشاورزان به مشارکت در طرح‌های یکپارچه‌سازی اراضی در روستاهای منتخب شهرستان بوکان نشان داد که سن، سطح تحصیلات، نوگرایی و آینده‌گرایی به‌صورت متغیرهای معنادار و تأثیرگذار مثبت و بیگانگی اجتماعی در سه معنای بی‌قدرتی، انزوا و ناراضی‌تی به‌عنوان مانع تمایل به مشارکت

2- Vitikainen
3- Garcia
4- Gergievski

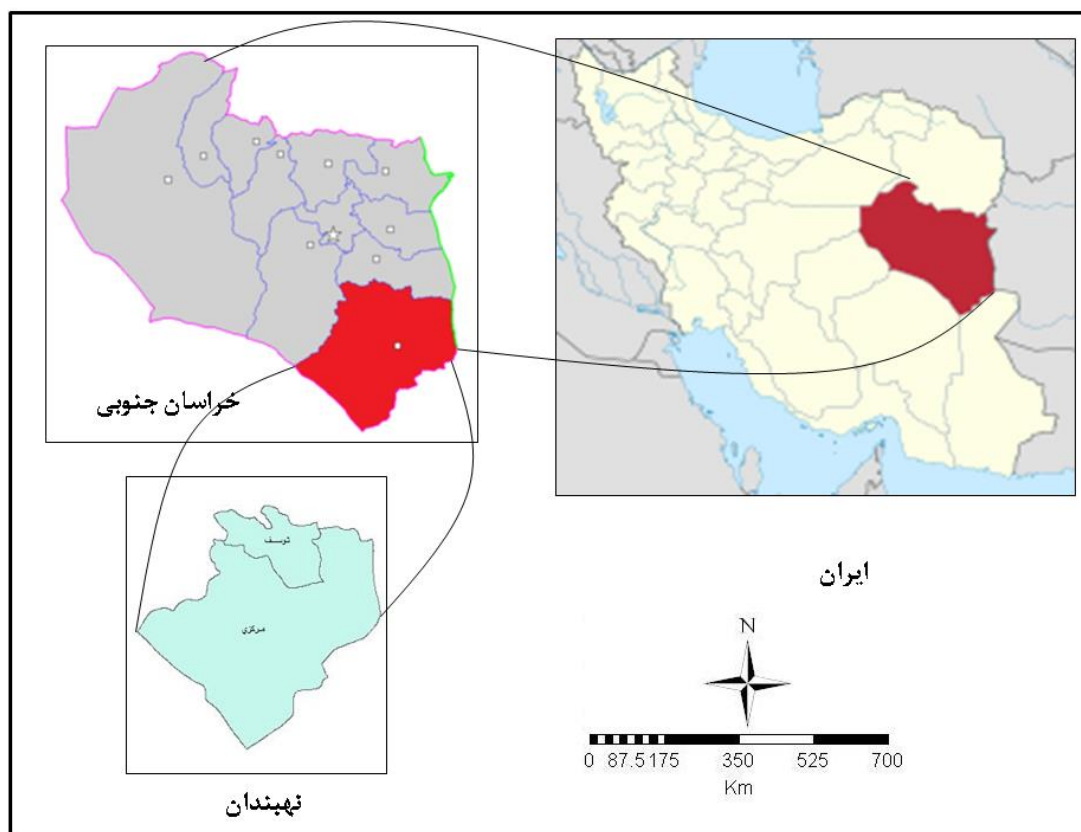
عمل می‌کنند (میرزایی و کاکه پور، ۱۳۹۲: ۱۵۹). در مطالعه‌ای مشابه، قدیمی و همکاران (۱۳۹۱) گزارش نمودند که کشاورزان دهستان زاینده‌رود شمالی شهرستان فریدن تمایل کمی به یکپارچه‌سازی اراضی خود داشته و به شرط یکپارچه‌سازی موقتی ترجیح می‌دهند با افراد آشنا و فامیل مشارکت داشته باشند و عوامل فردی-اجتماعی و اقتصادی، اصلی‌ترین موانع یکپارچه‌سازی اراضی است. به اعتقاد رضایی مقدم و همکاران (۱۳۹۳)، پذیرندگان طرح یکپارچه‌سازی دسترسی بیشتری به خدمات ترویجی در مورد اطلاعات طرح داشته و نگرش بهتری در مورد مزایای اجرای یکپارچه‌سازی دارند و به همین دلیل آمادگی بیشتری برای مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی داشته و از اعتماد و انسجام بیشتری برخوردار هستند. حقیقت و همکاران (۱۳۹۴) ارائه‌ی تسهیلات اعتباری به کشاورزان برای ایجاد انگیزه، جلب اعتماد رهبران محلی، اتخاذ قوانین کافی در باب یکپارچه‌سازی اراضی و اصلاح و بازنگری قوانین به‌ویژه قانون ارث و برگزاری کلاس‌های آموزشی در زمینه‌ی یکپارچه‌سازی را در توسعه‌ی اجرای طرح یکپارچه‌سازی مؤثر گزارش نمودند. یافته‌های امینی و همکاران (۱۳۸۶) در بررسی و مقایسه‌ی دلایل مخالفت بهره‌برداران با اجرای طرح‌های یکپارچه‌سازی زمین‌های کشاورزی در شهرستان کرمانشاه و منطقه‌ی لنجات استان اصفهان نشان داد عواملی همانند ناآگاهی صاحبان زمین‌های زراعی، نامناسب بودن روش‌های فنی اجرای طرح‌ها و نبود قوانین روشن در زمینه‌ی یکپارچه‌سازی اراضی، عمده‌ترین موانع پیشبرد طرح‌های یکپارچه‌سازی زمین‌های کشاورزی هستند.

نوروزیان (۱۳۷۸) عدم اطمینان به اجرای مطلوب طرح، ترس از دادن زمین‌های مرغوب و عدم آگاهی از ماهیت یکپارچه‌سازی زمین‌های کشاورزی را از مهم‌ترین دلایل مخالفت بهره‌برداران با اجرای طرح یکپارچه‌سازی زمین‌های کشاورزی و عواملی همانند بالا رفتن درآمد، سهولت کشت و کار، استفاده از تسهیلات و صرفه‌جویی در وقت را از مهم‌ترین دلایل موافقت جامعه‌ی مورد مطالعه با اجرای طرح یکپارچه‌سازی اراضی گزارش نمود. احمدپور و همکاران (۱۳۹۴) عدم تحویل به‌موقع اراضی یکپارچه‌شده، احتمال کم شدن مقدار زمین زراعی بعد از یکپارچه‌سازی و تفاوت مزارع از لحاظ دسترسی به منابع آب را از مهم‌ترین دلایل مخالفت شالیکاران استان مازندران با اجرای طرح یکپارچه‌سازی اراضی گزارش نمودند.

هدف اصلی نوشتار حاضر واکاوی عوامل بازدارنده و پیش‌برنده‌ی اجرای طرح یکپارچه‌سازی اراضی زراعی در سکونتگاه‌های روستایی شهرستان نهبندان است. با توجه نقش اساسی اقتصاد کشاورزی در منطقه‌ی مورد مطالعه و عدم استقبال روستائینان از طرح‌های یکپارچه‌سازی در گذشته، بدیهی است شناخت و آگاهی از عوامل و موانع مذکور می‌تواند برای سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و مجریان این نوع طرح‌ها راهگشا باشد.

۳- منطقه‌ی مورد مطالعه

شهرستان نهبندان با وسعت ۲۶۰۹۴ کیلومترمربع در ناحیه‌ای کویری، تقریباً خشک و کم‌آب در جنوب استان خراسان جنوبی واقع شده است. این شهرستان دارای ۲ بخش، ۵ دهستان و ۹۴۳ پارچه آبادی است که جمعیت آن بر پایه‌ی سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵ برابر با ۵۱۴۴۹ نفر است (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی خراسان جنوبی، ۱۳۹۶). با توجه به ضعیف بودن بخش صنعت و خدمات، بخش کشاورزی بیش‌ترین میزان اشتغال‌زایی را به خود اختصاص داده و نزدیک به ۸۰ درصد مردم به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم به بخش کشاورزی وابسته هستند. سطح زیر کشت محصولات زراعی در حدود ۸۵۰۰ هکتار و شامل محصولات عمده گندم، جو، علوفه (یونجه، سورگوم، ذرت، ارزن) پنبه، جالیز و سطح زیر کشت محصولات باغی نزدیک به ۳۰۰۰ هکتار و شامل محصولات پسته، خرما، زیتون، انار، عناب و سایر محصولات باغی است (مدیریت جهاد کشاورزی شهرستان نهبندان، ۱۳۹۵). از مهم‌ترین دشت‌های شهرستان می‌توان به دشت سهل‌آباد، دهنو، میغان، نهبندان، بندان، ده‌سلم و سمن‌آباد اشاره کرد. شکل شماره‌ی ۱ موقعیت جغرافیایی منطقه‌ی مورد مطالعه را نشان می‌دهد. شهرستان نهبندان در موقعیت جغرافیایی ۵۸ درجه و ۳۵ دقیقه تا ۶۰ درجه و ۵۳ دقیقه طول شرقی و ۳۰ درجه و ۳۱ دقیقه تا ۳۲ درجه و ۲۰ دقیقه عرض شمالی واقع شده و ارتفاع مرکز شهرستان از سطح دریا ۱۲۶۰ متر است.



شکل ۱: نقشه‌ی موقعیت جغرافیایی منطقه‌ی مورد مطالعه

۴- مواد و روش‌ها

این تحقیق از نظر ماهیت از نوع تحقیقات کمی و با توجه به هدف تحقیق، از نوع تحقیقات کاربردی و ازلحاظ گردآوری داده‌ها، در زمره‌ی تحقیقات توصیفی - تحلیلی است که با فن پیمایش انجام گرفت. جامعه‌ی آماری پژوهش را کشاورزان بهره‌بردار ساکن در مناطق روستایی شهرستان نهبندان واقع در استان خراسان جنوبی تشکیل داده‌اند که تعداد آن‌ها برابر با ۲۵۰۰۰ نفر است (مدیریت جهاد کشاورزی شهرستان نهبندان، ۱۳۹۵). حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۲۶۴ نفر برآورد گردید که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای انتخاب و مورد مطالعه واقع شدند.

برای گردآوری اطلاعات از روش ترکیبی مصاحبه و تکمیل پرسش‌نامه بهره جسته شد. بدین منظور، پرسش‌نامه‌ای در شش بخش شامل پرسش‌هایی در مورد ویژگی‌های فردی، زراعی، اجتماعی - اقتصادی بهره‌برداران و گویه‌هایی جهت سنجش نگرش و آگاهی پاسخ‌گویان در رابطه با ماهیت یکپارچه‌سازی اراضی، سنجش میزان تمایل آن‌ها جهت مشارکت در اجرای طرح یکپارچه‌سازی اراضی و همچنین عوامل مؤثر (پیش‌برنده‌ها و موانع) در یکپارچه‌سازی اراضی تهیه شد. این گویه‌ها به صورت طیف پنج گزینه‌ای لیکرت تدوین گردید و پاسخ‌گویان با علامت زدن در مقابل هر یک از گزینه‌های کاملاً مخالفم (خیلی کم)، مخالف (کم)، نظری ندارم (متوسط)، موافقم (زیاد) و کاملاً موافق (خیلی زیاد) میزان موافقت و مخالفت خود را با گویه مورد نظر ابراز نموده‌اند.

به منظور سنجش میزان تمایل به مشارکت در یکپارچه‌سازی اراضی از طیف پنج گزینه‌ای لیکرت استفاده شد که در آن عدد ۱ نشانگر کم‌ترین میزان و عدد ۵ بیانگر بیش‌ترین میزان است و به منظور طبقه‌بندی و توصیف کیفی آن از

روش تفاوت انحراف معیار از میانگین^۵ (ISDM) استفاده شد (Gangadharappa et al, 2007; 132). در این روش نحوه‌ی تبدیل امتیازات کسب‌شده به سه سطح به‌صورت زیر است:

A = کم: $A = \text{Mean} - 1/2 \text{ Sd}$

B = متوسط: $\text{Mean} - 1/2 \text{ Sd} < B < \text{Mean} + 1/2 \text{ Sd}$ رابطه‌ی ۱

C = زیاد: $C > \text{Mean} + 1/2 \text{ Sd}$

که در فرمول مذکور، mean مقدار میانگین و sd انحراف معیار میانگین است.

پس از طراحی پرسش‌نامه، جهت تعیین روایی از روش اعتبار محتوا استفاده شد و بدین منظور پرسش‌نامه‌ها در اختیار پانل متخصصان مرکب از اساتید دانشگاه و کارشناسان سازمان جهاد کشاورزی خراسان جنوبی قرار گرفت و پس از انجام اصلاحات لازم، اطمینان حاصل شد که سؤالات توانایی اندازه‌گیری خصوصیات موردنظر را دارا می‌باشند. جهت سنجش پایایی ابزار گردآوری اطلاعات از روش آلفای کرونباخ استفاده گردید و جهت اطمینان از پایایی مطلوب پرسش‌نامه، تعداد ۳۰ پرسش‌نامه در جامعه‌ای مشابه توزیع گردید که مقدار آلفای کرونباخ برای قسمت‌های مختلف پرسش‌نامه بین ۰/۷۲ تا ۰/۸۲ محاسبه شد که نشان از پایایی مناسب پرسش‌نامه دارد. تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو بخش آمار توصیفی و استنباطی با استفاده از نرم‌افزار SPSS.22 انجام شد. بدین منظور در بخش آمار توصیفی از آماره‌هایی مانند فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار و ضریب تغییرات و در بخش آمار استنباطی از آزمون همبستگی پیرسون و تحلیل عاملی استفاده گردید.

۵- بحث و نتایج

۵-۱- ویژگی‌های شخصی و حرفه‌ای کشاورزان

یافته‌های مندرج در جدول ۱ نشان می‌دهد میانگین سن افراد در نمونه‌ی مورد مطالعه ۴۹/۶۶ سال و محدوده‌ی سنی افراد مورد مطالعه بین ۲۳ و ۷۶ سال متغیر بوده است. متوسط سطح تحصیلات پاسخ‌گویان نزدیک به چهار سال است که بیانگر فراوانی افراد دارای تحصیلات در سطح خواندن و نوشتن و یا بی‌سواد است. میانگین سابقه‌ی فعالیت کشاورزی نمونه‌ی مورد مطالعه ۱۸ سال بوده و کم‌ترین و بیش‌ترین میزان سابقه‌ی کار کشاورزی به ترتیب ۲ و ۳۸ سال است. متوسط میزان اراضی کشاورزان برابر با ۴/۱۸ هکتار است و میزان مالکیت اراضی آن‌ها بین ۱ تا ۳۰ هکتار متغیر بوده است. تعداد قطعات بهره‌برداران بین ۱ تا ۱۰ قطعه متغیر بوده است و میانگین تعداد قطعات بهره‌برداران ۵ قطعه و اندازه‌ی قطعات بین ۰/۲۹ تا ۱۵ هکتار متغیر است.

جدول ۱: ویژگی‌های شخصی و حرفه‌ای کشاورزان

متغیر	حداقل	میانگین	حداکثر	انحراف معیار
سن (سال)	۲۵	۴۹/۶۶	۷۶	۱۴/۷۹
تحصیلات (کلاس)	۰	۳/۹۷	۱۶	۴/۹۶
سابقه‌ی فعالیت کشاورزی (سال)	۲	۱۸/۱۸	۳۸	۹
میزان اراضی زراعی (هکتار)	۱	۴/۱۸	۳۰	۱/۴۸
تعداد قطعات زراعی (قطعه)	۱	۵/۲	۹	۲/۳۰
متوسط اندازه‌ی قطعات (هکتار)	۰/۲۹	۲/۱۰	۱۵	۱/۶۰

۵-۲- میزان آگاهی کشاورزان پیرامون مفهوم یکپارچه‌سازی اراضی

جهت سنجش میزان آگاهی و شناخت کشاورزان از ابعاد مختلف طرح یکپارچه‌سازی اراضی از ۱۳ گویه استفاده شد. سپس به‌منظور توصیف مطلوب متغیر آگاهی کشاورزان پیرامون مفهوم یکپارچه‌سازی اراضی از روش فاصله‌ی انحراف معیار از میانگین (ISDM) استفاده گردید (جدول ۲). نتایج نشان می‌دهد سطح آگاهی ۸۱/۴ درصد زارعین از مفهوم یکپارچه‌سازی در سطح متوسط و تنها میزان آگاهی ۸/۷ درصد بهره‌برداران در سطح زیاد است. یافته‌های روسو و همکاران^۶ (۲۰۰۲)؛ تودارو و لولچوا^۷ (۲۰۰۵) و رضایی مقدم و همکاران (۱۳۹۳) نشان می‌دهد استقبال زارعین از طرح یکپارچه‌سازی اراضی، تابعی از میزان اطلاعات دریافتی در این زمینه است. بدیهی است استفاده از کانال‌های مؤثر و کارآمد اطلاع‌رسانی توسط برنامه‌ریزان توسعه‌ی روستایی جهت تبیین و تشریح ابعاد مختلف یکپارچه‌سازی می‌تواند علاوه بر جلب مشارکت کشاورزان در اجرای موفق‌تر طرح، به‌عنوان یک عامل پیش‌برنده عمل نموده و اثربخشی طرح را افزایش دهد.

جدول ۲: توزیع فراوانی سطح آگاهی پاسخ‌گویان از مفهوم یکپارچه‌سازی اراضی

متغیر	سطح	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی
آگاهی از مفهوم یکپارچه‌سازی	پایین	۲۶	۹/۸	۹/۸
	متوسط	۲۱۵	۸۱/۴	۹۱/۳
	بالا	۲۳	۸/۷	۱۰۰
	جمع	۲۶۴	۱۰۰	

۵-۳- تمایل کشاورزان به مشارکت در طرح یکپارچه‌سازی اراضی

جهت تعیین میزان تمایل کشاورزان به مشارکت در طرح‌های یکپارچه‌سازی اراضی از طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت استفاده شد (جدول ۳). بررسی توزیع فراوانی تمایل کشاورزان به مشارکت در اجرای طرح یکپارچه‌سازی اراضی نشان می‌دهد که تمایل به مشارکت ۳۹/۸ درصد افراد در سطح کم است. همچنین میزان تمایل به مشارکت ۱۱/۷ درصد از پاسخ‌گویان در سطح متوسط و میزان تمایل به مشارکت ۴۸/۶ درصد زیاد است. به‌عبارت‌دیگر می‌توان بیان داشت بیش از نیمی از پاسخ‌گویان تمایل زیادی به اجرای یکپارچه‌سازی اراضی ندارند.

جدول ۳: توزیع فراوانی تمایل کشاورزان به مشارکت در اجرای طرح یکپارچه‌سازی اراضی

متغیر	سطح مشارکت	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی
تمایل به مشارکت	کم	۱۰۵	۳۹/۸	۳۹/۸
	متوسط	۳۱	۱۱/۷	۵۱/۵
	زیاد	۱۲۸	۴۸/۵	۱۰۰
	کل	۲۶۴	۱۰۰	

۵-۴- تحلیل همبستگی ویژگی‌های شخصی، حرفه‌ای، اقتصادی و اجتماعی با تمایل به مشارکت در طرح یکپارچه‌سازی اراضی

در بخش حاضر با استفاده از آزمون‌های آماری مناسب، روابط بین متغیرهای مستقل تحقیق با متغیر تمایل به مشارکت در یکپارچه‌سازی موردبررسی قرار گرفته است. نتایج حاصل از آزمون‌های همبستگی نشان داد بین متغیر تمایل به مشارکت در یکپارچه‌سازی اراضی و متغیرهای سابقه‌ی فعالیت کشاورزی، میزان مالکیت اراضی، تعداد قطعات

6- Rusu et al

7- Todorova and Lulcheva

زراعی، متوسط اندازه‌ی قطعات، سطح زیر کشت، فاصله‌ی اراضی تا مظهر آب، فاصله‌ی اراضی تا روستا، میزان اعتماد مقابل کشاورزان به یکدیگر، میزان آگاهی پیرامون یکپارچه‌سازی اراضی و میزان حمایت‌های اعتباری دولت از اجرای طرح رابطه‌ی مثبت و معنی‌داری وجود دارد. همچنین بین متغیر سن و متمایل به مشارکت در یکپارچه‌سازی اراضی رابطه‌ی منفی و معنی‌داری مشاهده شد (جدول ۴).

تأثیر متغیرهای میزان مالکیت اراضی، تعداد قطعات و اندازه‌ی قطعات بر میزان متمایل بهره‌برداران بخش کشاورزی با اجرای طرح یکپارچه‌سازی اراضی در مطالعات امیرنژاد و رفیعی (۱۳۸۸)، آشکار آهنگرانی‌کلایی و همکاران (۱۳۸۵)، شیرزاد (۱۳۷۶)، وثوقی و فرجی (۱۳۸۵) و جمشیدی و همکاران (۱۳۸۸) نیز مورد تأیید قرار گرفته است. بین متغیر سن و متمایل وابسته متمایل به مشارکت در طرح‌های یکپارچه‌سازی رابطه‌ی منفی و معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر با افزایش سن پاسخ‌گویان، متمایل به مشارکت در طرح‌های یکپارچه‌سازی کاهش می‌یابد. این بدان معنی است که کشاورزان مسن‌تر متمایل کم‌تری نسبت به افراد جوان جهت مشارکت در اجرای طرح‌های یکپارچه‌سازی اراضی زراعی دارند و کشاورزان جوان‌تر جهت مشارکت در طرح راغب‌تر می‌باشند. این یافته‌ی تحقیق در راستای یافته‌ی تحقیقات وثوقی و فرجی (۱۳۸۵) و امیرنژاد و رفیعی (۱۳۸۸) است.

جدول ۴: همبستگی ویژگی‌های شخصی، حرفه‌ای و اقتصادی-اجتماعی با متمایل به مشارکت در یکپارچه‌سازی اراضی

متغیر	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
سن	* -۰/۱۲۲	۰/۰۴۷
تحصیلات	ns -۰/۰۸	۰/۱۵
سابقه‌ی فعالیت کشاورزی	** ۰/۱۶۸	۰/۰۰۶
میزان مالکیت اراضی	** ۰/۳۷۴	۰/۰۰۰
تعداد قطعات زراعی	** ۰/۲۲۰	۰/۰۰۰
متوسط اندازه‌ی قطعات (هکتار)	** ۰/۱۷	۰/۰۰۶
سطح زیر کشت	** ۰/۳۶۲	۰/۰۰۰
فاصله‌ی اراضی تا مظهر آب	** ۰/۳۸۳	۰/۰۰۰
فاصله‌ی اراضی تا روستا	** ۰/۳۶۱	۰/۰۰۰
تعداد محصول کاشت شده	ns ۰/۰۵۰	۰/۴۲۲
میزان اعتماد متقابل کشاورزان به یکدیگر	* ۰/۱۳۱	۰/۰۳۳
میزان اعتماد کشاورزان به دولت	ns ۰/۰۴۷	۰/۴۴۲
میزان آگاهی پیرامون یکپارچه‌سازی اراضی	** ۰/۲۱۸	۰/۰۰۰
میزان حمایت‌های اعتباری دولت از اجرای طرح	** ۰/۲۴۲	۰/۰۰۰

** معنی‌داری در سطح ۱ درصد، * معنی‌داری در سطح ۵ درصد، ns غیر معنی‌دار.

وجود ارتباط مثبت و معنادار بین سابقه‌ی فعالیت کشاورزی افراد مورد مطالعه با میزان مشارکت آن‌ها در اجرای طرح یکپارچه‌سازی اراضی نشان می‌دهد که کشاورزان با سابقه‌ی بیشتر به علت اینکه به مزایای یکپارچه‌سازی اراضی بیشتر واقف می‌باشند، متمایل بیشتری جهت مشارکت در اجرای طرح یکپارچه‌سازی اراضی از خود نشان می‌دهند. این یافته تحقیق با نتایج رفیعی و امیرنژاد (۱۳۸۶)، وثوقی و فرجی (۱۳۸۵)، احمدی و امینی (۱۳۸۶) هم‌خوانی دارد. همان‌طور که در جدول ۴ نشان داده شده است، رابطه‌ی مثبت و معنی‌داری در سطح پنج درصد میان متغیرهای میزان مالکیت اراضی و سطح زیر کشت بهره‌برداران و مشارکت آن‌ها در اجرای طرح یکپارچه‌سازی وجود دارد؛

بنابراین، بهره‌برداران با مقدار زمین‌های تحت تملک بیشتر، تمایل بیشتری به مشارکت در اجرای طرح دارند. جمشیدی و همکاران (۱۳۸۸) دلایل این افزایش تمایل را بدین گونه توصیف می‌نمایند؛ اولاً یکپارچه‌سازی باعث حذف مرزهای اضافی زیادی می‌شود که بر اثر قطعه‌قطعه شدن اراضی به وجود آمده است و در نتیجه، موجب افزایش مساحت زمین‌های زیر کشت می‌شود. ثانیاً یکپارچه شدن قطعات زراعی، باعث استفاده بهینه از منابع تولید و وسایل و ادوات مکانیزه و حذف جابه‌جایی‌های زیاد این وسایل می‌شود.

نتایج جدول فوق‌الذکر نشان می‌دهد فاصله‌ی اراضی تا روستا و مظهر آب از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر تمایل کشاورزان به مشارکت در یکپارچه‌سازی است؛ بنابراین می‌توان گفت با توجه به اینکه زراعت اغلب محصولات کشاورزی نیاز به مراقبت دائم و سرکشی همیشگی بهره‌بردار دارد، این مراقبت و سرکشی با افزایش فاصله‌ی قطعات از محل سکونت کشاورزان کم‌رنگ شده و بهره‌وری کاهش می‌یابد. به‌علاوه افزایش فاصله‌ی قطعات از محل سکونت افراد اتلاف وقت و حتی نیروی کار بهره‌برداران شده و نیازمند وقت بیشتری جهت رفت‌وآمد بین اراضی و محل سکونت افراد است. همچنین در مورد قطعاتی که در نزدیکی مظهر آب قرار دارند، اتلاف آب نسبت به قطعات دور دست بسیار کم‌تر بوده؛ لذا حجم آب واقعی دریافتی محصولات بیشتر و در نتیجه، افزایش سطح تولید و درآمد زارع را در پی خواهد داشت.

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد بین میزان اعتماد کشاورزان به یکدیگر و تمایل به شرکت در یکپارچه‌سازی اراضی رابطه‌ی مثبت و معنادار وجود دارد؛ یعنی هرچه اعتماد متقابل زارعین نسبت به همدیگر بیشتر شود، شاهد افزایش مشارکت آن‌ها در طرح‌های یکپارچه‌سازی خواهیم بود. از آنجاکه کشت گروهی مستلزم اعتماد به یکدیگر، انجام کار گروهی، توجه به آرای دیگران و همکاری است، بهره‌بردارانی که میزان اعتماد آن‌ها به یکدیگر بیشتر است، تمایل بیشتری نیز به اجرای طرح یکپارچه‌سازی اراضی دارند. کیزل اسلان و آلموس^۸ (۲۰۰۲)، وثوقی و فرجی (۱۳۸۵)، زارع (۱۳۷۹) و رضایی مقدم و همکاران (۱۳۹۳) نیز به نتایج مشابهی دست یافته‌اند.

میزان آگاهی نسبت به طرح یکپارچه‌سازی اراضی از معرف‌های مهم و تأثیرگذار بر میزان موافقت بهره‌برداران با اجرای طرح یکپارچه‌سازی اراضی در هر منطقه می‌تواند محسوب شود. نتایج آزمون همبستگی نشان داد که بین میزان آگاهی کشاورزان پیرامون یکپارچه‌سازی اراضی و تمایل آنان به مشارکت رابطه‌ی معنادار و مثبت و با شدت متوسط وجود دارد. افزایش آگاهی افراد موجب بالا رفتن قدرت تجزیه و تحلیل مسائل و تبیین مزایا و معایب راه‌حل‌ها و انتخاب راه‌حل‌های مناسب برای رفع مشکل می‌گردد. همان‌گونه که اطلاعات جدول ۲ نشان داد سطح آگاهی ۹۱/۳ درصد بهره‌برداران نسبت به طرح یکپارچه‌سازی اراضی در سطح نسبتاً متوسط و پایین‌تر از آن بوده است، لذا می‌توان بیان داشت که هرچه اطلاعات افراد نسبت به یک نوآوری کم‌تر باشد، احتمال پذیرفتن و به‌کارگیری آن نوآوری در آینده کم‌تر است. آگاهی و شناخت از ابعاد و مزایای طرح یکپارچه‌سازی در مطالعات گونزالس گارسیا^۹ (۲۰۰۷)، بکمن (۲۰۰۲)، کیزل اسلان و آلموس (۲۰۰۲)، وثوقی و فرجی (۱۳۸۵) و رضایی مقدم و همکاران (۱۳۹۳) به‌عنوان یک عامل مؤثر بر پذیرش یکپارچه‌سازی اراضی مورد تأیید قرار گرفته است. همچنین میزان حمایت‌های اعتباری دولت از اجرای طرح یکپارچه‌سازی تأثیر مثبت و معناداری بر تمایل کشاورزان به مشارکت در اجرای طرح یکپارچه‌سازی دارد. بدیهی است ارائه‌ی تسهیلات ارزان‌قیمت و بلاعوض توسط دولت می‌تواند هزینه‌های اجرای طرح را کاهش داده و انگیزه بهره‌برداران را جهت شرکت در طرح افزایش دهد.

۵-۵- اولویت‌بندی موانع اجرای طرح یکپارچه‌سازی اراضی

نتایج بررسی و اولویت‌بندی موانع اجرای طرح یکپارچه‌سازی اراضی در شهرستان نهبندان نشان می‌دهد (جدول ۵) که سه مانع اصلی اجرای طرح یکپارچه‌سازی اراضی به ترتیب عبارت‌اند از؛ مخالفت بهره‌بردارانی که کیفیت خاک

8- Kizilaslan and Almus

9- Gonzales Garcia

اراضی آن‌ها خیلی مرغوب است، مخالفت بهره‌بردارانی که اراضی آن‌ها نزدیکی به مظهر آب است و مخالفت بهره‌بردارانی که اراضی آن‌ها از پراکندگی کم‌تری برخوردار است. در مقابل، سه عامل کم‌اهمیت شامل عدم همکاری معاونت آب‌و خاک سازمان کشاورزی، کشت محصولات درآمدزا در اراضی موردنظر اجرای طرح و نبودن رهبران محلی در بین کشاورزان است. به عبارت دیگر، ویژگی‌های زراعی زمین‌های زارعین نقش مهمی در ممانعت از اجرای یکپارچه‌سازی اراضی بازی می‌کند.

جدول ۵: اولویت‌بندی موانع اجرای طرح یکپارچه‌سازی اراضی از دید پاسخ‌گویان

رتبه	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	گویه
۱	۹/۸۲	۰/۴۶	۴/۶۸	مخالفت بهره‌بردارانی که اراضی آن‌ها نزدیکی به مظهر آب است
۲	۱۳/۰۶	۰/۶۱	۴/۶۷	مخالفت بهره‌بردارانی که کیفیت خاک اراضی آن‌ها خیلی مرغوب است
۳	۱۴/۵۸	۰/۶۳	۴/۳۲	مخالفت بهره‌بردارانی که اراضی آن‌ها از پراکندگی کم‌تری برخوردار است
۴	۱۶/۳۷	۰/۶۶	۴/۰۳	مخالفت بهره‌بردارانی که مالک اراضی نزدیک به روستا هستند
۵	۱۶/۵۸	۰/۷۲	۴/۳۴	عدم اعطای وام برای یکپارچه‌سازی اراضی
۶	۱۶/۹۰	۰/۷۲	۴/۱۶	مخالفت بهره‌بردارانی که دارای قطعات بزرگ هستند
۷	۱۷/۳۹	۰/۷۲	۴/۱۴	مخالفت بهره‌بردارانی که دارای اراضی مسطح هستند
۸	۱۷/۸۴	۰/۷۶	۴/۲۶	مخالفت بهره‌برداران دارای اراضی بیش‌تر از میزان معین‌شده در سند
۹	۱۸/۵۳	۰/۷۶	۴/۱۰	بالا بودن هزینه‌های خودیاری طرح
۱۰	۱۸/۷۶	۰/۷۳	۳/۸۹	ناکافی بودن وام پرداختی برای اجرای طرح یکپارچه‌سازی
۱۱	۲۱/۷۷	۰/۸۶	۳/۹۵	عدم همکاری معاونت ترویج و آموزش کشاورزی
۱۲	۲۳/۱۳	۰/۹۰	۳/۸۹	نداشتن اطلاع از فواید یکپارچه‌سازی از طرف بهره‌برداران
۱۳	۲۶/۰۵	۰/۹۹	۳/۸۰	شایعه‌پراکنی برخی افراد در مورد طرح
۱۴	۲۷	۱/۰۱	۳/۷۴	عدم اطلاع‌رسانی از فرایند یکپارچه‌سازی توسط سازمان‌های ذی‌ربط
۱۵	۳۰/۴۷	۰/۶۴	۲/۱۰	مخالفت رهبران محلی با اجرای طرح یکپارچه‌سازی اراضی
۱۶	۳۴/۵۳	۰/۹۶	۲/۷۸	عدم همکاری مراکز خدمات کشاورزی
۱۷	۳۶/۱۸	۰/۹۳	۲/۵۷	مخالفت بهره‌بردارانی که شغل اصلی آن‌ها مشاغل غیر کشاورزی است
۱۸	۳۸/۳۹	۰/۸۶	۲/۲۴	اعطای با تأخیر وام برای اجرای طرح یکپارچه‌سازی
۱۹	۳۹/۰۸	۰/۶۸	۱/۷۴	وابستگی روانی و علاقه به زمین‌های خانوادگی و ارثی
۲۰	۴۰/۸۱	۰/۸۰	۱/۹۶	اعطای وام با بهره بالا برای اجرای طرح یکپارچه‌سازی
۲۱	۴۱/۵۳	۰/۷۶	۱/۸۳	عدم همکاری معاونت آب‌و خاک سازمان کشاورزی
۲۲	۴۸/۹۶	۰/۹۵	۱/۹۴	کشت محصولات درآمدزا در اراضی موردنظر اجرای طرح
۲۳	۵۴/۰۳	۰/۸۷	۱/۶۱	فقدان رهبران محلی در بین کشاورزان

۵-۶- تحلیل عاملی متغیرهای پیش‌برنده و بازدارنده‌ی طرح یکپارچه‌سازی اراضی

در این تحقیق هدف از کاربرد تحلیل عاملی، استخراج مؤلفه‌های زیربنایی تبیین‌کننده‌ی مجموعه عوامل مؤثر بر یکپارچه‌سازی اراضی در سطح منطقه به قصد بهره‌گیری از آن‌ها جهت تعیین وزن نیروهای پیش‌برنده (عوامل پیشران) و بازدارنده‌ی (موانع) اجرای طرح یکپارچه‌سازی اراضی بوده است. برای اطمینان از تناسب داده‌ها برای تحلیل، با محاسبه‌ی ماتریس ضرایب همبستگی بین متغیرها، آزمون بارتلت و آماره‌ی KMO محاسبه گردید. مقدار KMO به دست آمده ۰/۶۵ است که نشان‌دهنده‌ی مناسب بودن همبستگی‌های موجود در بین داده‌ها برای تحلیل عاملی است. از

سوی دیگر برای اطمینان از کفایت داده‌ها برای تحلیل عاملی از آزمون بارتلت نیز استفاده شد. مقدار آماره‌ی بارتلت برابر با $2383/58$ و در سطح 1% معنی‌دار بود، لذا داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب تشخیص داده شد. به‌منظور تعیین تعداد عامل با توجه به معیار کیسر (Kaiser)، عامل‌هایی که مقدار ویژه‌ی آن‌ها بزرگ‌تر از ۱ بوده است، انتخاب گردید که بر این اساس، در این تحلیل هشت عامل استخراج شده که در کل ۲۰ متغیر را دربرگرفته و توانستند $71/75$ درصد واریانس کل را تبیین نمایند (جدول ۶). پس از چرخش عاملی به روش واریماکس، متغیرهای بازدارنده و پیشران یکپارچه‌سازی اراضی در هشت عامل طبقه‌بندی شدند که اطلاعات جدول ۶ عوامل استخراج‌شده را به همراه مقادیر ویژه و درصد واریانس بعد از چرخش نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، عامل اول بیش‌ترین سهم ($15/86$ درصد) و عامل هشتم کم‌ترین سهم ($5/83$ درصد) را در تبیین واریانس کل متغیرها دارند.

جدول ۶. عوامل استخراج‌شده همراه با مقادیر ویژه، درصد واریانس و درصد واریانس تجمعی

عامل	مقدار ویژه	درصد واریانس	درصد تجمعی
۱	۳/۱۷	۱۵/۸۶	۱۵/۸۶
۲	۲/۱۵	۱۰/۷۸	۲۶/۶۵
۳	۱/۹۰	۹/۵۱	۳۶/۱۶
۴	۱/۶۹	۸/۴۵	۴۴/۶۱
۵	۱/۵۳	۷/۶۹	۵۲/۳۰
۶	۱/۳۷	۶/۸۷	۵۹/۱۷
۷	۱/۳۴	۶/۷۳	۶۵/۹۱
۸	۱/۱۶	۵/۸۳	۷۱/۷۵

با توجه به ماهیت متغیرهای موجود در هر عامل و همچنین مهم‌ترین متغیرهای موجود در هر عامل، نام‌گذاری عامل‌ها انجام گرفت که نتایج در جدول ۷ ارائه شده است. عامل اول با مقدار ویژه‌ی $3/17$ به‌تنهایی تبیین‌کننده‌ی $15/87$ درصد واریانس کل مجموعه مورد تحلیل است. با توجه به ماهیت متغیرهای موجود به نام عامل «زراعی» نام‌گذاری شد و این عامل بازتاب‌دهنده خصوصیات مزارع است که بازدارنده و مانع اجرای طرح یکپارچه‌سازی اراضی می‌باشند. در این عامل، شش متغیر با بارهای عاملی مشخص‌شده در جدول مذکور قرار دارند که خصوصیات توپوگرافی شامل نزدیکی زمین‌های زراعی به مظهر آب و کیفیت بالای خاک (تفاوت در حاصلخیزی زمین) مهم‌ترین متغیرهای بار عاملی بالا در این عامل محسوب می‌شوند. تفاوت در دسترسی به منابع آب و تفاوت در حاصلخیزی خاک زراعی در مطالعات حقیقت و همکاران (۱۳۹۴)، شوهاو و همکاران^{۱۰} (۲۰۰۶)، نیرولا و تاپا^{۱۱} (۲۰۰۵) از عوامل مؤثر بر عدم مشارکت بهره‌برداران در طرح یکپارچه‌سازی گزارش شده است.

عامل دوم که سه متغیر را دربر دارد، $10/78$ درصد از واریانس تحلیل عاملی را به خود اختصاص داده است که با توجه به ماهیت متغیرهای دربرگیرنده به نام عامل «اعتباری-حمایتی» نام‌گذاری گردید. این عامل نقش تأمین سرمایه‌ی اولیه‌ی لازم جهت اجرای طرح را بازگو می‌کند که می‌بایست از طریق اتخاذ سیاست‌های اعتباری اثربخش توسط بخش دولتی فراهم گردد. ضعف بنیه‌ی اقتصادی کشاورزان و ناتوانی آن‌ها در تهیه‌ی سرمایه لازم جهت تهیه و خرید تجهیزات و ماشین‌آلات موردنیاز جهت اجرای یکپارچه‌سازی اراضی، یک عامل بازدارنده‌ی مهم بوده و سبب می‌شود کشاورزان علی‌رغم تمایل به مشارکت در طرح یکپارچه‌سازی، نتوانند اقدام عملی در این زمینه انجام دهند.

10- Shuhao et al

11- Niroula and Thapa

آشکار آهنگرانی کلایی و همکاران (۱۳۸۵) دشواری انجام مراحل اخذ وام را یکی از عوامل بازدارنده در اجرای طرح یکپارچه‌سازی اراضی در شالیزارهای مازندران گزارش نمودند.

جدول ۷: متغیرهای مربوط به هر یک از عامل‌ها و میزان بار عاملی به‌دست‌آمده از ماتریس دوران‌یافته

نام عامل	متغیر	بار عاملی
زراعی	مخالفت بهره‌بردارانی که دارای قطعات بزرگ هستند	۰/۸۶۳
	مخالفت بهره‌بردارانی که دارای اراضی مسطح هستند	۰/۶۳۲
	مخالفت بهره‌بردارانی که اراضی آن‌ها از پراکندگی کم‌تری برخوردار است	۰/۵۶۲
	مخالفت بهره‌بردارانی که مالک اراضی نزدیک به روستا هستند	۰/۷۸۸
	مخالفت بهره‌بردارانی که اراضی آن‌ها نزدیکی به مظهر آب است	۰/۹۳۷
	مخالفت بهره‌بردارانی که کیفیت خاک اراضی آن‌ها خیلی مرغوب است	۰/۹۳۷
اعتباری - حمایتی	اعطای وام با بهره بالا برای اجرای طرح یکپارچه‌سازی	۰/۶۶۳
	اعطای با تأخیر وام برای اجرای طرح یکپارچه‌سازی	۰/۶۴۱
	ناکافی بودن وام پرداختی برای اجرای طرح یکپارچه‌سازی	۰/۶۸۶
سازمانی	عدم همکاری مراکز خدمات کشاورزی	۰/۵۵۹
	عدم همکاری معاونت آب‌و خاک سازمان کشاورزی	۰/۶۷۶
	عدم همکاری معاونت ترویج و آموزش کشاورزی	۰/۶۶۵
اقتصادی	کشت محصولات درآمدزا در اراضی موردنظر اجرای طرح	۰/۶۱۸
	بالا بودن هزینه‌های خودیاری طرح	۰/۶۵۴
روان‌شناختی	مخالفت بهره‌بردارانی که شغل اصلی آن‌ها مشاغل غیر کشاورزی است	۰/۹۰۹
	وابستگی روانی و علاقه به زمین‌های خانوادگی و ارثی	۰/۶۴۱
	شایعه‌پراکنی برخی افراد در مورد طرح	۰/۸۲۶
انگیزشی	نبودن رهبران محلی موافق با اجرای طرح یکپارچه‌سازی اراضی	۰/۶۶۴
آموزشی-ترویجی	اطلاع‌رسانی نامناسب از فرآیند و مزایای یکپارچه‌سازی توسط سازمان‌های ذی‌ربط	۰/۷۳۸
قانونی	مخالفت بهره‌برداران دارای اراضی بیش‌تر از میزان معین‌شده در سند	۰/۶۹۰

عامل سوم با تبیین ۹/۵۱ درصد از واریانس تحلیل عاملی از سه متغیر تشکیل شده است که با توجه به سنجیت متغیرهای موجود به‌عنوان عامل «سازمانی» نام‌گذاری شد؛ چراکه به نقش تأثیرگذار سازمان‌های مسئول در این ارتباط می‌پردازد. امینی و همکاران (۱۳۸۶) و زارع (۱۳۷۹) بی‌اعتمادی کشاورزان به دولت و دستگاه‌های اجرایی را در اجرای نامناسب یکپارچه‌سازی اراضی مؤثر می‌دانند. عامل چهارم با دربرداشتن ۸/۴۵ درصد واریانس تحلیل، عاملی شامل سه متغیر است. در این عامل، متغیرهایی که ماهیت هزینه-درآمدی دارند، قرار گرفته‌اند و مبین نقش هزینه‌های طرح و درآمدهای زارع از فعالیت‌های زراعی در مزرعه‌ی موجود و همچنین درآمد غیر کشاورزی در خارج از مزرعه در سایر فعالیت‌هاست که مانع ایجاد انگیزه‌ی لازم برای زارع جهت یکپارچه‌سازی اراضی می‌شود. حقیقت و همکاران (۱۳۹۴) و امینی و همکاران (۱۳۸۶) هزینه‌های زیاد انجام طرح را از دلایل مخالفت بهره‌برداران با اجرای طرح‌های یکپارچه‌سازی اراضی در شهرستان کرمانشاه و منطقه‌ی لنجات استان اصفهان بیان نموده‌اند. عامل‌های پنجم و ششم که به تبیین نقش متغیرهای روان‌شناختی و انگیزشی بازدارنده‌ی اجرای طرح می‌پردازند، به ترتیب ۷/۶۹ و ۶/۸۷ درصد واریانس تحلیل عاملی را به خود اختصاص داده‌اند. مطالعه‌ی حقیقت و همکاران (۱۳۹۴) نیز نشان داد وابستگی و علاقه‌ی زیاد کشاورزان به زمین‌هایشان از جمله موانع یکپارچه‌سازی اراضی است. نقش عوامل آموزشی-ترویجی و قانونی پیش‌ران و بازدارنده‌ی یکپارچه‌سازی اراضی در عامل‌های هفتم و هشتم بیان‌شده که به ترتیب ۶/۷۳ و ۵/۸۳ درصد واریانس را شامل شده‌اند.

۶- نتیجه‌گیری

این تحقیق با هدف واکاوی عوامل پیش‌برنده و بازدارنده در اجرای طرح یکپارچه‌سازی اراضی زراعی به‌منظور ارائه‌ی راهکارهای مناسب جهت حل معضل پراکندگی اراضی زراعی در شهرستان نهبندان صورت گرفت. نتایج نشان‌دهنده‌ی پراکندگی زیاد قطعات و کوچک بودن اراضی بهره‌برداران است؛ به‌طوری‌که متوسط تعداد قطعات زارعین در حدود پنج قطعه است که نشان می‌دهد نظام بهره‌برداری از زمین در این شهرستان همانند اغلب مناطق کشور با مشکل پراکندگی و کوچک بودن قطعات زمین مواجه است. نتایج نشان داد که میزان آگاهی اغلب کشاورزان (بیش از ۹۰ درصد) پیرامون مفهوم یکپارچه‌سازی اراضی در سطح نسبتاً ضعیف است؛ از سوی دیگر بیش از نیمی از پاسخ‌گویان تمایل چندانی به مشارکت در اجرای یکپارچه‌سازی اراضی ندارند که ضرورت اجرای برنامه‌های آموزشی و ترویجی در راستای افزایش دانش و آگاهی کشاورزان از مزایا و نتایج مثبت یکپارچه‌سازی اراضی را نمایان می‌سازد.

یافته‌های تحقیق نشان داد که با افزایش سن بهره‌برداران، از میزان تمایل آن‌ها جهت مشارکت در اجرای طرح یکپارچه‌سازی اراضی کاسته می‌شود؛ لذا پیشنهاد می‌شود از طریق برگزاری دوره‌های آموزشی آشنایی با مزایای مثبت یکپارچه‌سازی، به‌ویژه برای افراد صاحب نفوذ و رهبران محلی، زمینه‌ی ارتقاء سطح آگاهی مخاطبان طرح‌های یکپارچه‌سازی اراضی فراهم شود.

نتایج پژوهش نشان داد که ویژگی‌های توپوگرافی همانند فاصله‌ی اراضی تا روستا و مظهر آب و نیز تفاوت حاصلخیزی خاک از جمله متغیرهای بسیار مهم اثرگذار در اجرای طرح‌های یکپارچه‌سازی اراضی است. بر اساس ارزش‌گذاری سنتی در بین روستاییان معمولاً زمین‌های نزدیک به روستا و یا نزدیک به مظهر آب، ارزش اقتصادی بیشتری داشته و از این‌رو به‌سختی حاضر به فروش و یا تعویض این زمین‌ها می‌شوند. از سوی دیگر با توجه به اینکه مهم‌ترین مانع اجرای طرح یکپارچه‌سازی اراضی در شهرستان نهبندان، مخالفت بهره‌بردارانی است که اراضی آن‌ها نزدیکی به مظهر آب است، پیشنهاد می‌گردد از طریق تمهیداتی مانند تشویق‌های مالی مناسب، کشاورزانی که اراضی آن‌ها نزدیک منبع آب است، موردتوجه مسئولین و دیگر کشاورزان قرار گیرند.

با توجه به اینکه تعداد قطعات زمین زراعی دارای رابطه‌ی مثبت و معنی‌داری با تمایل به مشارکت در طرح یکپارچه‌سازی است، پیشنهاد می‌گردد طرح‌های مربوط به یکپارچه‌سازی ابتدا در روستاهایی که زارعین دارای قطعات زمین بیشتری هستند، اجرا گردد تا پس از مشاهده‌ی پیامدهای مثبت طرح، زمینه برای تشویق سایر زارعین جهت مشارکت در طرح فراهم گردد.

با توجه به اثر مثبت اعتماد اجتماعی (اعتماد متقابل کشاورزان به یکدیگر) پیشنهاد می‌گردد ضمن جلب و جذب افراد مورد وثوق و اعتماد روستاییان با ایجاد گروه‌های محلی و میانجی، بسترهای لازم جهت ایجاد اعتماد بیشتر بین مردم و همچنین بین مردم و مسئولین ایجاد شده و زمینه‌ی مشارکت اختیاری زارعین در طرح‌های یکپارچه‌سازی فراهم شود. باید توجه داشت که اکثر کشاورزان خرده‌پا بنا به دلایل اقتصادی و نه صرفاً دلیل فرهنگی، توان و جرئت ریسک‌پذیری اندکی دارند، به همین دلیل هر طرح نوینی را صرفاً به دلیل نو بودن آن به‌راحتی نمی‌پذیرد. لیکن در صورتی‌که کشاورزان کلیدی و پیشرو و رهبران محلی که تا حدود زیادی مورد اعتماد کشاورزان هستند، طرح یکپارچه‌سازی اراضی را به‌صورت داوطلبانه در اراضی خود اجرا کنند، زمینه‌ی پذیرش طرح از سوی آحاد کشاورزان به میزان زیادی فراهم خواهد شد. از این‌رو، پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران در اجرای هرگونه پروژه‌ی سامان‌دهی و یکپارچه‌سازی، نقش فوق‌العاده مهم رهبران محلی و کشاورزان پیشرو را در اشاعه‌ی تفکر یکپارچه‌سازی اراضی و تبیین اهمیت آن و تشویق کشاورزان به پذیرش و به‌کارگیری آن مدنظر قرار دهند.

درنهایت، می‌توان بیان داشت اعطای وام با بهره‌ی کم و در زمان مناسب و به مقدار مکفی (حمایت اعتباری و تسهیلاتی دولت از طرح) در کنار همراهی و پشتیبانی آموزشی-ترویجی پیوسته و اثربخش مسئولین بخش‌های مختلف جهاد کشاورزی می‌تواند به‌عنوان یکی از عوامل مهم پیش‌برنده‌ی طرح مدنظر قرار گیرد. درواقع، آن‌گونه که پاساکارینز

و مارلین^{۱۲} (۲۰۱۰) بیان می‌دارند، یکپارچه‌سازی اراضی باید به‌عنوان ابزاری جهت بهبود وضعیت تولید محصولات اساسی غذایی، بهبود شرایط کار در کشاورزی و ارتقاء شرایط زندگی مردم در مناطق روستایی در نظر گرفته شود. بدیهی است بهترین نتیجه زمانی به دست خواهد آمد که اولاً سیاست یکپارچه‌سازی اراضی در مجموعه برنامه‌های توسعه‌ی کشاورزی و مناطق روستایی لحاظ شده، ثانیاً با اقدامات مکمل به‌منظور بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی در سکونت‌گاه‌های روستایی همراه باشد.

۷- منابع

- ۱- آشکار آهنگرکلایی، محمدعلی، اسدیپور، حسن، علیپور، عباس (۱۳۸۵). بررسی نگرش کشاورزان به طرح یکپارچه‌سازی اراضی در شالیزارهای مازندران (مطالعه‌ی موردی: روستای گلیرد شهرستان جویبار). اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال ۱۴، شماره‌ی ۵۵، صص ۱۳۵-۱۵۳.
- ۲- احمدپور، امیر، فعلی، سعید، سلطانی، شهره (۱۳۹۴). عوامل مؤثر بر عدم مشارکت شالیکاران استان مازندران در طرح یکپارچه‌سازی اراضی. روستا و توسعه، سال ۱۸، شماره‌ی ۲، صص ۱-۱۸.
- ۳- احمدی، عبدالحسین، امینی، امیرمظفر (۱۳۸۶). عوامل مؤثر بر تقاضای اجرای طرح‌های یکپارچه‌سازی زمین‌های کشاورزی از دیدگاه کارشناسان شهرستان کرمانشاه و منطقه‌ی لنجان اصفهان، علوم و فنون کشاورزی و منابع طبیعی، سال ۱۱، شماره‌ی ۴۲، صص ۲۹۶-۲۸۳.
- ۴- امینی، امیرمظفر، احمدی، عبدالحسین، پاپ زن، عبدالحمید (۱۳۸۶). بررسی و مقایسه‌ی دلایل مخالفت بهره‌برداران با اجرای طرح‌های یکپارچه‌سازی زمین‌های کشاورزی در شهرستان کرمانشاه و منطقه‌ی لنجان استان اصفهان. علوم و فنون کشاورزی و منابع طبیعی، سال ۱۱، شماره‌ی ۴۱، صص ۴۳۱-۴۱۷.
- ۵- امیرنژاد، حمید، رفیعی، حامد (۱۳۸۸). بررسی عوامل مؤثر در پذیرش یکپارچه‌سازی اراضی شالیکاران در روستاهای منتخب استان مازندران. مجله‌ی علوم آب‌و‌خاک. جلد ۱۳، شماره‌ی ۴۸، صص ۳۳۸-۳۲۹.
- ۶- جمشیدی، علیرضا، تیموری، مصطفی، حاضری، محمد، روستا، کوروش (۱۳۸۸). عوامل مؤثر بر مشارکت کشاورزان در اجرای طرح یکپارچه‌سازی اراضی استان ایلام: مطالعه‌ی موردی شهرستان شیروان و چرداول، فصلنامه‌ی روستا و توسعه، سال ۱۲، شماره‌ی اول، صص ۱۲۷-۱۰۹.
- ۷- جمشیدی، علیرضا، امینی، امیرمظفر (۱۳۹۱). عوامل مؤثر بر پذیرش و اجرای طرح یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی در استان ایلام، فصلنامه‌ی مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، سال دوم، شماره‌ی هفتم، صص ۱۱۸-۱۰۳.
- ۸- جوان، جعفر، صابونچی، زهره (۱۳۹۱). بررسی تحلیلی عوامل مؤثر بر تقطیع و چالش‌های فرا روی یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی (نمونه‌ی موردی: دشت نیشابور)، فصلنامه‌ی مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، سال دوم، شماره‌ی هشتم، صص ۱۹-۱.
- ۹- حقیقت، صالح، ایروانی، هوشنگ، کلانتری، خلیل، مهدوی، ابراهیم، قدیمی، سیدعلیرضا (۱۳۹۴). تحلیل عوامل پیش‌برنده‌ی طرح یکپارچه‌سازی اراضی از دیدگاه کشاورزان استان فارس. تحقیقات اقتصاد و توسعه‌ی کشاورزی ایران، دوره‌ی ۴۶، شماره‌ی اول، صص ۳۴-۲۱.
- ۱۰- رضایی مقدم، کوروش، رحیمی، سمانه، بخشوده، محمد (۱۳۹۳). عوامل فردی، اقتصادی، اجتماعی، محیطی و زراعی مؤثر بر پذیرش یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی (مورد مطالعه: شهرستان شیراز). تحقیقات اقتصاد کشاورزی، جلد ششم، شماره‌ی دوم، صص ۱۵۷-۱۳۵.
- ۱۱- رکن‌الدین افتخاری، علیرضا (۱۳۷۴). بررسی دیدگاه‌های مختلف در ارتباط با فرآیند یکپارچه‌سازی اراضی زراعی (قسمت دوم). تحقیقات جغرافیایی، شماره‌ی ۳۷، صص ۲۸-۳.
- ۱۲- زارع، ابراهیم (۱۳۷۹). پراکندگی اراضی در استان فارس، آثار و علت‌ها. مجموعه مقالات سومین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران، دانشگاه فردوسی، مشهد.

- ۱۳- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان خراسان جنوبی. (۱۳۹۶). سالنامه‌ی آماری استان خراسان جنوبی (سال ۱۳۹۵)، معاونت آمار و اطلاعات.
- ۱۴- شمس، علی، احدزاده، جواد، عباسی، علیرضا، هوشمندان، زهرا (۱۳۹۴). نگرش گندم‌کاران در خصوص یکپارچه‌سازی اراضی و راهکارهای متناسب از دیدگاه آنان (مورد مطالعه: گندم‌کاران روستاهای شهرستان هشتگرد)، راهبردهای توسعه‌ی روستایی، جلد ۲، شماره‌ی ۲، صص ۱۷۰-۱۵۷.
- ۱۵- شیرزاد، حسین (۱۳۷۶). فرآیند یکپارچه‌سازی اراضی در بین شالیکاران استان مازندران، کاربرد تئوری بنیانی، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه شیراز، شیراز.
- ۱۶- عینالی، جمشید (۱۳۹۳). ارزیابی نقش سرمایه‌ی اجتماعی در یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی، مطالعه‌ی موردی: دهستان حصار ولی‌عصر شهرستان آوج. پژوهش‌های روستایی، دوره‌ی ۵، شماره‌ی ۲، صص ۳۹۶-۳۷۵.
- ۱۷- فال سلیمان، محمود، مرادی، محمود، ابطحی‌نیا، آمنه (۱۳۹۰). ارزیابی اثرات یکپارچه‌سازی اراضی بر توسعه‌ی کشاورزی مناطق روستایی (مطالعه‌ی موردی: بخش خوسف شهرستان بیرجند)، مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، سال ۲، شماره‌ی ۶، صص ۸۵-۶۷.
- ۱۸- قدیمی، سیدعلیرضا، اسحاقی، سیدرضا، نصرآبادی، پوریا، اعظمی، موسی (۱۳۹۱). بررسی دلایل عدم پذیرش طرح یکپارچه‌سازی اراضی و ارائه‌ی راهکارهایی برای یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی (مطالعه‌ی موردی: دهستان زاینده‌رود شمالی شهرستان فریدن). تحقیقات اقتصاد و توسعه‌ی کشاورزی ایران. دوره‌ی ۴۳، شماره‌ی ۴، صص ۶۷۵-۶۶۱.
- ۱۹- مدیریت جهاد کشاورزی شهرستان نهبندان. (۱۳۹۵). سیمای کشاورزی شهرستان نهبندان. واحد فناوری اطلاعات.
- ۲۰- میرزایی، حسین، کاکه‌پور، محمد (۱۳۹۲). تحلیل جامعه‌شناختی عوامل تأثیرگذار بر تمایل کشاورزان به مشارکت در طرح‌های یکپارچه‌سازی اراضی (مورد مطالعه: روستاهای منتخب شهرستان بوکان). توسعه‌ی روستایی، سال ۵، شماره‌ی اول، صص ۱۸۲-۱۵۹.
- ۲۱- نوروزیان، معصومه (۱۳۷۸). تحلیلی بر مسائل یکپارچه‌سازی اراضی در بخش مرکزی شهرستان بستان‌آباد. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد. دانشکده‌ی جغرافیا. دانشگاه اصفهان. اصفهان.
- ۲۲- وثوقی، منصور، فرجی، افراسیاب (۱۳۸۵). پژوهشی جامعه‌شناختی در زمینه‌ی عوامل مؤثر بر تمایل کشاورزان به مشارکت در یکپارچه‌سازی اراضی مزروعی (مطالعه‌ی موردی: روستاهای زرین‌شهر)، جامعه‌شناسی ایران، دوره‌ی ۷، شماره‌ی ۲، صص ۱۱۸-۱۰۱.
- ۲۳- یاسوری، مجید، جوان، جعفر، صابونچی، زهره (۱۳۸۶). بررسی اثرات اقتصادی اجرای طرح‌های یکپارچه‌سازی اراضی نمونه: شهرستان اراک. جغرافیا (نشریه‌ی علمی پژوهشی انجمن جغرافیایی)، سال ۵، شماره‌ی ۱۴، صص ۸۴-۶۷.
- 24- Backman, M. (2002). Rural development by land consolidation in Sweden". Paper presented at FIG XXII International Congress, Session IILand Consolidation and Rural Development. Washington, D. C., April 19-26.
- 25- Dijk, T.V., (2002). Export of planning knowledge needs comparative analysis: the case of applying Western land consolidation knowledge in Central Europe. *European Planning Studies* 10(7), 911-922.
- 26- Gergievsk, K, (2005). Land consolidation as one of the modes for the enlargement of agricultural land in Macedonia. *Journal of Central European Agriculture*, 6(4), 562-574.
- 27- Gonzales Garcia, I. (2007). Land consolidation in Spain: the land registry perspective. Effective and sustainable land management- A permanent challenge for each society. UNECE WPLA Workshop, Session III-Social and Constitutional Dimension of Land Management, Munich.
- 28- Gangadharappa, N. R., Acker, D. G., Chengappa, P. G., Ganesamoorthi, S., Kumar, S., Sajeev, M. V. and Shen, D. (2007). Social capital and ability to change among Indian farmers. International conference on 21th century challenges to sustainable agri-food systems. Polson, Montana.
- 29- Huang, Q., Li, M. and Z. Chen, (2010). Land Consolidation: An Approach for Sustainable Development in Rural China, *AMBIO*, 40(1), 93-95.

- 30- Kizilaslan N. and Almus, S. (2002). Research on the determination of the socio-economic factors affecting the farmers' behaviour in adopting land consolidation implemented in Guzelbeyli town in Zile county, Tokat province. *Turkish Journal of Agriculture and Forestry*, 26, 101-108.
- 31- Mihara, M. (1996). Effect of agricultural land consolidation on erosion processes in semi-mountainous paddy field of Japan. *Journal of Agricultural Engineering Research*, 64(3), 237-247.
- 32- Niroula, G. S., and Thapa, G. B. (2005). Impacts and causes of land fragmentation, and lessons learned from land consolidation in South Asia. *Land Use Policy*, 22(4), 358-372.
- 33- Pasakarnis, g., Maliene, v. (2010). Towards sustainable rural development in central and eastern Europe: applying land consolidation, *land use policy*, 27(2), 545-549.
- 34- Rusu, M., Florian, V., Popa, M., Marin, P., Pamfil, V. (2002). Land fragmentation and land consolidation in the agricultural sector, a case study from Romania. Paper presented at the international symposium on "land Fragmentation and land consolidation in ceec: a gate towards Sustainable rural development in the new millenium", Technische Universität München, Munich, 25-28 February 2002.
- 35- Saini, A. S. (1995), Impact of consolidation on technology adoption and inequalities in Himachal Pradesh. *Bihar Journal of Agricultural Marketing* 3(3), 242-248.
- 36- Shuhao T, Heerinkb N, Qu F. (2006). Land fragmentation and its driving forces in China. *Land Use Policy*, 23(3), 272-285.
- 37- Sklenicka, P. (2006). Applying evaluation criteria for the land consolidation effect to three contrasting study areas in the Czech Republic. *Land Use Policy*, 23(4), 502-510.
- 38- Todorova, S. A. and Lulcheva, D. (2005). Economic and social effects of land fragment on Bolgarian agricultur. *Journal of Central European Agriculture*, 6, 555-562.
- 39- Uhling J. (1989). Land consolidation – agriculture and environmental protection. *Berichte über Landwirtschaft*, 67, 426-456.
- 40- Vitikainen, A. (2004). An overview of land consolidation in Europe. *Nordic Journal of Surveying and Real Estate Research*, 1(1), 124-136.